

صدیقه شرفی¹، پروانه ولوی²، زری مهمدی³، زهرا مکاری قنوازی⁴

1 دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز،

ایران

2 استادیار، رشته فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

دانشگاه شهید چمران اهواز

3 دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز،

ایران

4 دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز،

ایران

چکیده

واژه‌ی پیشرفت معادل توسعه در ادبیات کلاسیک و مرسوم است توسعه ترجمه کلمه Development است و از ادبیات علمی غرب به عاریت گرفته شده است. در این ادبیات توسعه یافتگی و راهبردهای توسعه مبتنی بر دئیسم، شکاکیت یا انکار خدا، اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه و تفسیر خاصی از سعادت انسان و جامعه تفسیر و تعیین می‌شود. علت انتخاب واژه پیشرفت به جای توسعه احتراز از بار ارزشی و بینشی همراه واژه توسعه است. در تعریف عام که براساس همه بینش‌ها و منش‌ها درست است، پیشرفت را می‌توان برنامه‌ای هدفمند در جهت حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب دانست. با توجه به تفاوت اسلام و غرب در وضعیت موجود و با عنایت به این نکته که وضعیت مطلوب غرب و اسلام متناسب با مبانی معرفتی، فرهنگی، فلسفی، اخلاقی و ایدئولوژیک آن جوامع تعریف می‌شود، می‌توان ادعا کرد که وضعیت مطلوب جوامع مختلف با هم متفاوت است. به عبارت دیگر پیشرفت یک معنای جهان‌شمول و همجا صادق ندارد و شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ارزشها و در یک کلام شرایط زمانی و مکانی در آن موثر است. یکی از دلایل اختلاف در مقوله پیشرفت، جهان بینی حاکم بر غرب و اسلام است، براین اساس اگر همچون مکتب لیبرالیسم، معتقد به دئیسم، اصالت ماده، اصالت تجربه، اصالت فرد، و... شویم، پیشرفت را به گونه‌ای معنا خواهیم کرد و براساس مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلامی به مفهوم دیگری از پیشرفت خواهیم رسید. حال در این مقاله برای شناخت مفهوم و ماهیت پیشرفت به بررسی مبانی نظری پیشرفت در دو مکتب لیبرالیسم و اسلام، عدالت در پیشرفت غربی و اسلامی، تفاوت نگاه اسلام و غرب به انسان، هدف زندگی و رستگاری انسان در پیشرفت، شاخص‌های پیشرفت و توسعه در اسلام و غرب پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت، توسعه، اسلام، غرب، لیبرالیسم، عدالت